

رابطه اهداف زندگی دانشجویان با ابعاد باورهای ماکیاولیستی آنان*

The Relationships among Students Goals and Their Machiavellian Personality Beliefs*

Morteza Latifian,  Ph.D.
Laya Bashash,  Ph.D.



دکتر مرتضی لطیفیان**
دکتر لایا بشاش**

Abstract

This study was conducted to investigate the relationships among students' goals and their machiavellian personality beliefs. Brandtstadter's theory of personal goals (1984, 1989, 1999), and machiavellian personality theory (Christie, & Geis, 1970; Sutton, & Keogh, 2001; Andreou, 2004) were used to measure the developmental goals and machiavellian beliefs. Three hundred and fifteen university students (178 girls and 137 boys) were selected by random cluster sampling method. Mean age was 20.1 years and standard deviation was 1.8 years. Two scales; Kiddie Mach Scale and Developmental Life Goals Scale, were used. Results indicated that the students pursued six main goals including; social security, esteem, social relation, personal security, avoidance security, and survival goals. The results also showed that there was a complex combination of machiavellian beliefs and personal goals. In general, students view

چکیده

بررسی رابطه اهداف زندگی دانشجویان با ابعاد شخصیتی آنان براساس نظریه ماکیاولیستی هدف این پژوهش بوده است. به منظور انجام این پژوهش از یک نمونه ۳۱۵ نفری دانشجوی دختر (۱۷۸) و پسر (۱۳۷) داوطلب که در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ به روش خوشه‌ای تصادفی انتخاب شده بودند استفاده شد. میانگین سنی افراد ۲۰ سال و ۲ ماه و انحراف معیار برابر ۱ سال و ۸ ماه بود. در این پژوهش از دو مقیاس استفاده شد: یکی مقیاس کیدی ماخ برای باورهای ماکیاولیستی و دیگری مقیاس اندازه‌گیری اهداف زندگی. نتایج حاکی از آن بود که جوانان در کسب هدف مشتمل بر امنیت اجتماعی هدف احترام- قدر و منزلت، نیاز به دوستی و محبت اجتماعی، امنیت فردی، امنیت اجتنابی، و بقایی تلاش می‌کنند. همچنین نتایج نشان داد که هر یک از این اهداف توسط ترکیبی از باورهای ماکیاولیستی شامل داشتن صداقت در روابط، باور به فطرت پاک و خوب انسان، باور استفاده از راههای غلبه بر تفکر دیگران، و باور عدم اعتماد به مردم، پیش‌بینی می‌شود. این ترکیب به گونه‌ای است که دانشجویان در ضمن پذیرش پاک بودن فطرت انسان و اعتقاد به صادق بودن در روابط، معتقدند که باید شخص مصلحت‌اندیش

* College of Education and Psychology Shiraz University, I.R.
Iran.  latifian_m@yahoo.com  bashash_l@yahoo.com

* دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۳/۲۶، تصویب نهایی: ۱۳۸۷/۸/۲۶
* دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز

the people as honest and faithful however, they believed that it is wise to be manipulative, in some respects, in order to achieve their personal goals. There were also gender differences across the variables. At the end, some recommendations were added.

Keywords: Machiavellian beliefs, developmental goals, Iranian students.

بوده و بتواند از مکانیزم‌های تسلط بر افکار دیگران سود جوید. چنین سطحی از باورهای شناختی-اجتماعی می‌تواند نشان دهنده پیچیدگی شناختی دانشجویان ایرانی باشد. همچنین، نتایج نشان داد که بین دختران و پسران در اغلب متغیرها تفاوت معنی داری وجود دارد.

کلید واژه‌ها: باور ماکیاویستی، اهداف تحولی، دانشجوی ایرانی.



● مقدمه

از آنجا که اهداف زندگی افراد می‌تواند به دلیل نوع شخصیت آنان باشد، بنابراین انتظار می‌رود که بین اهداف اشخاص و ابعاد شخصیت آنان رابطه معنی داری وجود داشته باشد. شناخت فرآیندهای شکل‌گیری اهداف زندگی افراد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا اهداف نه تنها تعیین می‌کنند که شخص در زندگی خود به دنبال چه چیزی است بلکه نوع رفتار فرد را در جهت وصول به اهداف (گول ویتزر و براندشتا، ۱۹۹۷) و شکل‌گیری ارزشهای او را مشخص می‌نمایند (امونز، ۱۹۹۹؛ شلدن و کاسر، ۱۹۹۵).

در پژوهش حاضر اهداف زندگی افراد بر اساس الگوهای رشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این الگوها امکان آن را فراهم می‌سازند تا بتوان به نوعی از اهداف دست یافت که بر اساس نظریه‌های رشد، قابلیت تطبیق با سطوح مختلف رشد انسان را داشته باشند. شناخت اهمیت و ارزش این اهداف در سطوح مختلف رشد قدرت تحلیل و پیش‌بینی رفتار را ممکن می‌سازد. براندشتا (۱۹۹۹) بر اساس تلفیقی از نظرات مختلف به شانزده عامل، که محورهای اصلی اهداف رشدی از دیدگاه شناختی است، دست یافت. از جمله این عوامل می‌توان به «توجه به بهداشت و سلامت روان»، «خردمندی در فهم زندگی»، «اعتماد به نفس»، «موفقیت اجتماعی» و «استقلال فردی» اشاره نمود. این الگو قبلاً در ایران توسط لطیفیان و بشاش (۱۳۸۳) به کار گرفته شده است و نتایج حاکی از آن بوده است که الگوی براندشتا توانایی جداسازی اهداف دانشجویان را بخوبی داشته و می‌تواند در تحلیل رفتارها موفق ظاهر شود. در پژوهش حاضر با توجه به بکارگیری الگوی براندشتا، امکان آن به وجود آمد که الگوی اهداف زندگی دانشجویان را در سه سال پیش با وضعیت کنونی مورد مقایسه قرار گیرد.

به منظور بررسی ابعاد شخصیت در پژوهش حاضر، ابتدا لازم است توجه نمود که کلیه

نظرات شخصیت را بر اساس نتایجی که برای بشر بدست می‌دهند، می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود (باور و مک آدامز، ۲۰۰۴). دسته اول نظراتی هستند که به عنوان نظریه‌های «شناختی - اجتماعی رشد»، تکامل انسان را مدنظر قرار می‌دهند و دسته دوم مجموعه نظراتی است که به «سلامت عاطفی - اجتماعی» فرد تأکید دارند. در گروه اول سطح پیچیدگی تفکر فرد در رابطه با خود و دیگران مورد تأکید است و در گروه دوم موضوع مورد تأکید، احساس رضایتی است که فرد در مورد خود و دیگران دارد. اغلب نظرات شخصیت به یکی از این دو گرایش تمایل دارند. مثلاً نظریه‌هایی که در بعد شناختی قرار دارند و تحت تأثیر پیشگامان نظریه‌های شناختی همچون پیازده (۱۹۷۰) و یا ویگوتسکی (۱۹۷۸) است، بیشتر به این موضوع علاقه دارند که تا چه میزان اندیشه انسان می‌تواند رشد نماید و شخص را قادر سازد تا آن را در زندگی خود بکار گیرد. گروه دوم که به وجه بالینی بیشتر توجه دارند و متأثر از روانشناسانی همچون فروید (۱۹۵۳)، بالبی (۱۹۶۹) و مازلو (۱۹۶۸) است، سلامت روانی فرد را مورد توجه قرار می‌دهند.

در مورد این دو گرایش پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است (براگینسکی، ۱۹۷۰؛ بلاک، ۱۹۷۱؛ هلسون و وینک، ۱۹۹۲؛ وستبرگ و بلاک، ۱۹۹۳؛ هلسون و رابرتز، ۱۹۹۴). از نتایجی که در اغلب این پژوهش‌ها بدست آمده است عدم وجود رابطه‌ای پایدار بین نظرات رشد شناختی - اجتماعی (مثل نظریه‌های لوینگر، ۱۹۹۳؛ های و لوینگر، ۱۹۹۶) و سلامت روانی فرد (مثل نظریه‌های کینگ و همکاران، ۲۰۰۰؛ و وستبرگ و بلاک، ۱۹۹۳) است. به بیانی دیگر نتایج نشان داده‌اند که ممکن است افراد بتوانند در سطح پیچیده‌ای بیندیشند ولی در عین حال هر دو حالت احساس خوش بختی و یا بدبختی را تجربه کرده باشند. پژوهش حاضر با تأکید بر گرایش شناختی - اجتماعی سعی بر شناخت برخی عناصر مهم در زندگی فرد می‌نماید. از جمله نظراتی که در سالهای اخیر بسیار مورد توجه محققان بوده است، نظریه ماکیاویستی است. این نظریه معتقد است که با افزایش پیچیدگی‌های محیطی و اجتماعی، که هر روز بیش از پیش دیده می‌شود، و با رشد فناوری، ذهن انسان به ناچار در مسیر تطابق و سازگاری با آن قرار گرفته و فرآیندهای شناختی را در خود به وجود آورده است. این فرایندها هماهنگ با پیچیدگی‌های محیطی بوده و بقای فرد را تضمین می‌کند. تفکر ماکیاویستی حاصل چنین تحولی است. بنابراین، نظریه ماکیاویستی از یکسو نگاهی تحولی و تکاملی به شناخت انسان دارد که توسط آن شخص قادر است با جهان پیچیده سازگار شود و همین امر ملاک برجستگی او از سایر موجودات است و از سویی دیگر برداشتی منفی از انسان مطرح است که شخص را خودخواه و فریبکار معرفی می‌نماید (بیرنه و ویتن، ۱۹۸۸).

کریستی و گیس (۱۹۷۰) از جمله نظریه پردازان شناختی هستند که به نحوه اندیشه فرد در ارتباط با دیگران پرداخته‌اند. آنها معتقدند که تفکر افراد ریشه در تعاملات اجتماعی آنان داشته و براساس این تعاملات، عقاید آنان در مورد ماهیت طبیعت انسان و نحوه برخورد او با دیگران، شکل می‌پذیرد. ایندو بر این مبنی، سالها قبل نظریه ماکیاولیستی خود را در شخصیت مطرح نمودند. این نظریه سالها بعد و به ویژه در دهه‌های معاصر مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است (بیرنه و ویتن، ۱۹۸۸؛ مک‌هوسکی و همکاران، ۱۹۹۹؛ رامانایا و همکاران، ۱۹۹۴؛ رایت و همکاران، ۱۹۹۶؛ ساتون و کی اوغ، ۲۰۰۱). در این نظریه اعتقاد بر این است که برخی از مردم، دیگران را غیر قابل اعتماد و فریبکار می‌دانند در حالیکه برخی دیگر معتقدند که انسان عدالتخواه، رئوف، مهربان و راستگو است.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد ماکیاولیست، ویژگیهای شخصیتی از قبیل بدگمانی، سوءظن، بی‌اعتنایی به اصول اخلاقی و سردی عاطفی در ارتباط با دیگران را از خود نشان می‌دهند و بسیار علاقمندند که در ارتباطات اجتماعی خود، از راهبردهایی سود جویند که آنان را قادر سازد تا بر ذهن دیگران مسلط شوند و بدین طریق وصول به اهداف خود را تسهیل کنند (برایگینسکی، ۱۹۷۰؛ لیاری و همکاران، ۱۹۸۶؛ اسلاترو پریچارد، ۲۰۰۰؛ مک‌ایلوین، ۲۰۰۳). همچنین نتایج نشان داده است که این افراد در صورت لزوم، اجتماعی، محبوب، بسیار عمل‌گرا و در تعقیب اهداف خود پر تلاش‌اند (لوین و استیفنز، ۱۹۹۴). البته در این رابطه، پسران بیش از دختران رفتارهای ماکیاولستی از خود نشان می‌دهند (هلگسون، ۱۹۹۴).

همانگونه که گفته شد، توانایی اندیشیدن در سطح پیچیده شناختی نمی‌تواند شرط لازم و کافی برای سلامت روانی باشد، بلکه عوامل دیگری در این زمینه می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند (مازا و همکاران، ۲۰۰۳). یکی از این عوامل، اهداف فرد در زندگی است (باور و بونانو، ۲۰۰۱؛ شلدن و کاسر، ۱۹۹۵). اهداف زندگی افراد که متکی بر الگوهای تحولی است امکان آن را مهیا می‌سازد تا سطوح مختلف رشد اهداف را در رابطه با ابعاد شخصیت مورد بررسی قرار داده و تأثیر آنها را بر یکدیگر به تحلیل کشاند (کارور و شی‌یر، ۱۹۹۹). بنابراین ممکن است شخصی از نظر فکری پیچیده بیان‌دیشد و باورهای مختلفی را متناسب با سطح پیچیدگی شناختی داشته باشد ولی ضرورتاً از نظر شخصیتی فردی سالم نباشد.

بنابراین به لحاظ آنکه اهداف زندگی فرد از جمله خصوصیات فردی است که حیطه‌ای مستقل از حیطه شخصیت داشته ولی در تعامل و ارتباط با آن است که بررسی رابطه تعاملی ایندو نتایج مفیدی را می‌تواند بدست دهد (ویتنر و همکاران، ۱۹۹۸). به بیانی دیگر لازم است که

باورها و اعتقادات شناختی فرد به عنوان ابعاد شخصیت او، در ارتباط با اهداف زندگی، که مظهر میل و انتظار فرد در آینده است، مورد بررسی قرار گیرد.

پژوهش حاضر در صدد است تا با بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی اهداف زندگی توسط خصوصیات شخصیتی، بر اساس الگوی رشد شناختی - اجتماعی ماکیاولیستی، به تحلیل رابطه این دو حیطه بپردازد. از آنجاکه هم در باورهای ماکیاولیستی و هم در اهداف زندگی بین دختران و پسران تفاوت دیده شده است (هلگسون، ۱۹۹۴؛ لطیفیان و بشاش، ۱۳۸۳)، تأثیر احتمالی آن در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین سؤال پژوهشی عبارت از آن است که «به چه میزان ابعاد شخصیتی افراد اهداف زندگی آنان را پیش‌بینی می‌نماید؟» در این پژوهش تأثیر جنس مورد بررسی و مهار قرار خواهد گرفت.

● روش

○ «نمونه» حاضر شامل ۳۱۵ نفر از دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی، علوم انسانی، مهندسی، کشاورزی، علوم، حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز بودند. این دانشجویان به روش خوشه‌ای تصادفی انتخاب گردیدند. از این تعداد ۱۷۸ نفر دانشجوی دختر و ۱۳۷ نفر دانشجوی پسر بودند. میانگین سنی افراد ۲۰ سال و ۲ ماه و انحراف معیار برابر ۱ سال و ۸ ماه بود. دامنه سنی افراد از ۱۸ سالگی تا ۳۰ سالگی بود.

○ در این پژوهش از دو مقیاس استفاده شد، یکی «مقیاس باورهای ماکیاولیستی کیدی ماخ»^۱ و دیگری «مقیاس اندازه‌گیری اهداف زندگی»^۲.

□ الف. مقیاس باورهای ماکیاولیستی کیدی ماخ. این مقیاس برای اولین بار توسط کریستی و گیس (۱۹۷۰) طراحی شده است و در طی سالیان مختلف توسط پژوهشگران بکار گرفته شده و تعییراتی نیز نموده است. «روایی»^۳ و «اعتبار»^۴ این آزمون بسیار خوب گزارش شده است (ساتون و کو، ۲۰۰۱؛ و اندرو، ۲۰۰۴). آخرین فرم این مقیاس در ایران برای اولین بار ترجمه، انطباق‌یابی و بانمونه ایرانی بکار گرفته شده و روایی و اعتبار آن مطلوب گزارش شده است (رضویه، لطیفیان و عارفی، ۱۳۸۵). این آزمون بر اساس روش لیکرت ۵ گزیننه‌ای نظر افراد را مورد سنجش قرار می‌دهد. نمره ۱ به معنای «کاملاً مخالف» و نمره ۵ به معنای «کاملاً موافق» در نظر گرفته می‌شود. در پژوهش حاضر روایی و اعتبار آن مجدداً محاسبه شده است. تحلیل عامل به روش مؤلفه‌های اصلی بر روی گویه‌های این مقیاس انجام شد. شاخص KMO برابر ۰/۷۰ و مقدار کرویت بار تلت برابر ۸۴۳ که در سطح ۰/۰۰۰۱ معنی‌دار بود که مبین کفایت نمونه و شرایط لازم برای تحلیل

عامل بود. پس از بررسی نمودار اسکری معلوم گردید که چهار عامل را در آزمون می‌توان از هم تفکیک نمود. عامل اول «باور به صداقت انسان» با ۵ گویه (گویه‌های ۸، ۵، ۲، ۱۵، ۲۲)، عامل دوم «باور به فطرت خوب انسان» با ۴ گویه (گویه‌های ۱۷، ۱۱، ۱۳، ۱۴)، عامل سوم «روشهای تسلط بر دیگران» با ۹ گویه (گویه‌های ۱۲، ۱۸، ۶، ۱، ۳، ۴) و بالاخره عامل چهارم «باور عدم اعتماد به مردم» با ۴ گویه (گویه‌های ۹، ۱۶، ۱۹، ۷). ضرایب اعتبار کرونباخ عوامل به ترتیب برابر ۰/۸۱، ۰/۶۲، ۰/۶۳ و ۰/۵۵ بدست آمد که بجز عامل آخر که با احتیاط در مورد نتایج آن می‌توان بحث کرد بقیه عوامل رضایت‌بخش‌اند. میزان واریانس کل اندازه گرفته شده برابر ۰/۴۲ و برای هر یک از عوامل به ترتیب برابر ۰/۱۲، ۰/۱۱، ۰/۱۰ و ۰/۹ بدست آمد که حاکی از پراکندگی خوب واریانس کل بر روی عوامل است. لازم به ذکر است که در این پژوهش ۳ گویه به آزمون اصلی اضافه گردید ولی در تحلیل نهایی ۲ گویه از این سه گویه (گویه‌های ۲۱ و ۲۳) و ۲ گویه نیز از آزمون اصلی (گویه‌های ۱۰، ۲۰) بدلیل بار عاملی کم حذف شدند.

□ ب. مقیاس اهداف زندگی. این مقیاس بر اساس نظریه برانداشتا (۱۹۹۹) تهیه شده و قبلاً در ایران اعتبار و روایی آن بر روی نمونه دانشجویی مورد سنجش قرار گرفته و مقیاس مطلوبی برای تشخیص اهداف جوانان شناخته شده است (لطیفیان، بشاش، ۱۳۸۳). این مقیاس که به نام مقیاس «خودنظم ده شناختی اهداف رشد» خوانده شده و دارای ۳۲ گویه است بر اساس نظریه برانداشتا بر ۱۶ موضوع مختلف تأکید می‌کند که عبارتند از: «بهداشت و سلامت جسمانی»، «سلامت عاطفی»، «خردمندی در فهم زندگی»، «اعتماد به نفس»، «مقبولیت اجتماعی»، «موفقیت شغلی»، «توانایی اظهار خود»، «همدلی»، «استقلال فردی»، «موفقیت خانوادگی»، «توانایی در امرار معاش»، «زیبایی»، «توانایی ذهنی»، «رشد فردی»، «دوستی موفقیت‌آمیز» و «تعهد به اخلاقیات و ایدئولوژی». این مقیاس به صورت لیکرت ۵ گزیننه‌ای تنظیم شده است که در آن صفر به معنای «اصلاً اهمیتی ندارد» و نمره ۴ به عنوان «خیلی مهم است» در نظر گرفته شده است. در پژوهش حاضر روایی و اعتبار آزمون مجدداً مورد بررسی قرار گرفت. شش عامل به روش تحلیل عامل و با کمک از آزمون اسکری بدست آمد که عبارتند از هدف «امنیت اجتماعی» با ۷ گویه (گویه‌های ۳۰، ۳۱، ۱۳، ۱۵، ۲۴، ۲۵، ۳۲، ۱۴)، هدف «احترام - قدر و منزلت» با ۷ گویه (گویه‌های ۷، ۲۱، ۱۰، ۳، ۳۱، ۵، ۴)، هدف «نیاز به دوستی و محبت اجتماعی» با ۵ گویه (گویه‌های ۱۷، ۶، ۲۶، ۱۶، ۱۸)، هدف «امنیت فردی» با ۶ گویه (گویه‌های ۲۸، ۲۲، ۹، ۲۳، ۸، ۲)، هدف «امنیت اجتماعی» با ۳ گویه (گویه‌های ۲۷، ۱۹، ۲۰) و «هدف بقایی» با ۲ گویه (گویه‌های ۱۱، ۱۲). عامل آخر بدلیل اهمیتی که داشت، با وجود تعداد گویه کم، در آنالیز نگهداشته شد. مقادیر KMO برابر ۰/۸۸ و آزمون بارتلت برابر ۳۵۲۸ بود که

در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار بود. مقادیر بدست آمده نشانگر کفایت نمونه و شرایط کافی برای تحلیل عامل بود. ضرایب آلفای کرونباخ برای ۶ عامل به ترتیب عبارت بودند از ۰/۸۵، ۰/۸۰، ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۶۰ که حاکی از روایی مطلوب عوامل بود. میزان واریانس کل برابر ۰/۶۱ و برای هر یک از عوامل به ترتیب برابر ۰/۱۴/۵، ۰/۱۱/۵، ۰/۱۱/۲، ۰/۱۱، ۰/۷/۱ و ۰/۵/۵ بود که از پراکنندگی خوبی برخوردار بود و نشان دهنده تقسیم نسبی مناسب عوامل در اندازه گیری متغیرها است. در پژوهش حاضر اهداف بقایی به عنوان یک عامل جداگانه خود را از سایر عوامل جدا ساخته است، که در پژوهش قبل (لطیفیان، بشاش، ۱۳۸۳) گویه های آن به شکل عامل جداگانه ای ظاهر نشدند.

● نتایج

نتایج این پژوهش در دو بخش ارائه می گردد. بخش نخست به آمار توصیفی - مقدماتی در مورد تأثیر عامل جنس و مقایسه الگوی بدست آمده اهداف زندگی در پژوهش حاضر با پژوهش انجام شده در ۳ سال پیش پرداخته خواهد شد. در بخش دوم، سؤال پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد.

○ الف. آمار توصیفی - مقدماتی در مورد تأثیر عامل جنس و مقایسه اهداف دانشجویان کنونی با اهداف دانشجویان در سال ۱۳۸۳. جدول ۱ الگوی میانگین ها را برای دو دسته از دانشجویان با فاصله زمانی ۳ سال در دانشگاه شیراز نشان می دهد. همانگونه که از این جدول مشخص می شود الگوی تغییرات و نیز شدت ارزشمندی اهداف در نظر دو گروه دانشجویان سال های ۸۳ و ۸۵ تقریباً یکسان است.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار اهداف جوانان در دو سال ۸۲ و ۸۵ در ایران

گویه های اهداف	میانگین		انحراف معیار	
	سال ۱۳۸۲	سال ۱۳۸۵	سال ۱۳۸۲	سال ۱۳۸۵
۱- هدف امنیت اجتماعی	۲/۸	۲/۹	۰/۹۸	۱/۱
۲- هدف احترام - قدر و منزلت	۲/۷	۲/۷	۰/۹۰	۰/۹۵
۳- هدف نیاز دوستی و محبت اجتماعی	۲/۸	۲/۹	۱/۰	۱/۰
۴- هدف امنیت فردی	۳/۳	۳/۴	۰/۸۴	۰/۸۵
۵- هدف امنیت اجتنابی	۲/۳	۲/۳	۰/۸۸	۰/۹۰
۶- هدف بقای	-	۲/۵	-	۰/۸۰

جدول ۲ حاوی میانگین و انحراف معیار گویه‌های مقیاس ماکیاولیستی می‌باشد. همانگونه که قبلاً ذکر شد این گویه‌ها به چهار عامل اساسی تقسیم شدند.

جدول ۲- میانگین نمرات گویه‌های مربوط به باورهای ماکیاولیستی

انحراف معیار	میانگین	شاخص‌ها	گویه‌ها
۱/۲	۳/۰		۱- مهمترین راهی که بتوان کسی را گول زد آن است که به او چیزی را که دوست دارد بشنود، بگوئیم.
۱/۱	۳/۸		۲- وقتی از کسی می‌خواهید کاری را برای شما انجام دهد بهتر است که دلیل واقعی آنرا هم به او بگوئید.
۱/۱	۳/۸		۳- کسی که کاملاً به دیگران اعتماد می‌کند خود را به در دسر می‌اندازد.
۱/۲	۳/۳		۴- بدون پارتی‌بازی پیشرفت در کار خیلی مشکل است.
۱/۰	۴/۱		۵- داشتن صداقت در هر شرایطی مهمترین چیز است.
۰/۸۵	۴/۰		۶- اگر بخواهیم در جامعه آسیب نخوریم باید بدانیم که در هر انسانی صفات بدی وجود دارد که ممکن است در شرایط خاصی در رابطه با شما بروز کند.
۱/۱	۲/۶		۷- هیچ وقت به کسی نباید علت واقعی کارمان را بگوئیم مگر آنکه به نفع خودمان باشد.
۱/۰	۳/۹		۸- زمانی باید عملی را انجام داد که مطمئن بود از نظر اخلاقی صحیح است.
۱/۱	۳/۲		۹- عاقلانه آن است که دل آدمهای مهم را به نوعی به دست آوریم.
۱/۰	۴/۲		۱۰- به طور کلی متواضع و صادق بودن بهتر است تا آنکه شخص مهمی باشیم ولی نادرست.
۱/۲	۳/۵		۱۱- این گفته که در دنیا هر دقیقه یک نفر آدم بی‌فایده به دنیا می‌آید مطلب نادرستی است.
۱/۱	۳/۲		۱۲- بیماری که از بیماریهای ناعلاج در رنجند باید حق انتخاب آن را داشته باشند که بدون درد عمر را به پایان برسانند.
۱/۰	۴/۰		۱۳- انسان می‌تواند در هر شرایطی فردی مفید و لایق باشد.
۱/۰	۳/۶		۱۴- اغلب مردم به طور فطری خوب و مهربانند.
۱/۲	۳/۱		۱۵- هیچ عذری برای دروغ گفتن به دیگران قابل قبول نیست.
۱/۲	۲/۳		۱۶- اغلب مردم مرگ پدر یا مادر خود را راحت‌تر فراموش می‌کنند تا از دست دادن پول خود.
۱/۲	۲/۹		۱۷- اغلب کسانی که در دنیا به مقامات بالایی رسیده‌اند خود افرادی پایبند به اخلاقیات و دارای زندگی سالم بوده‌اند.
۱/۰	۳/۳		۱۸- به طور کلی مردم در کارهای خود چندان فعال نیستند مگر آنکه مجبور شوند.
۱/۱	۲/۵		۱۹- تفاوت اساسی بین اغلب خلافکاران با سایر مردم در آن است که خلافکاران بسیار نادانند و سریع به دام می‌افتند.
۰/۸۷	۲/۵		۲۰- اکثر مردم شجاع‌اند.
۱/۱	۲/۵		۲۱- بعضی وقتها برای رسیدن به هدفمان عیبی ندارد دیگران کمی اذیت شوند.
۱/۲	۳/۳		۲۲- دروغ گفتن هیچ وقت صحیح نیست.
۱/۲	۲/۶		۲۳- بعضی وقتها کمی زرنگی و فریب دادن دیگران لازم است تا به چیزی که می‌خواهید برسید.

جدول ۳ نشانگر تأثیر جنس بر متغیرهای اهداف و باورهای ماکیاولیستی دانشجویان در این پژوهش می‌باشد. همانگونه که از جدول بر می‌آید قدرت تعدیل‌کنندگی عامل جنس برای کلیه متغیرها بجز عامل «هدف احترام - قدر و منزلت» و «باور عدم اعتماد به انسان»، معنی‌دار بوده و دختران در مقایسه با پسران بجز هدف بقایی، نمره بیشتری کسب نموده‌اند. بدین لحاظ تأثیر جنس می‌بایستی در معادلات رگرسیون مد نظر قرار می‌گرفت.

جدول ۳- مقایسه اهداف دختران و پسران

اهداف	شاخص‌ها	جنس	میانگین	مقدار T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
هدف امنیت اجتماعی		پسر	۲/۸	-۲/۲	۲۸۶	< ۰/۰۵
		دختر	۳/۰			
هدف احترام - قدر و منزلت		پسر	۲/۷	-۰/۲۸	۳۰۲	> ۰/۰۵
		دختر	۲/۷			
هدف نیاز دوستی و محبت اجتماعی		پسر	۲/۸	-۲/۴	۲۹۶	< ۰/۰۵
		دختر	۳/۰			
هدف امنیت فردی		پسر	۳/۲	-۴/۱	۳۰۰	< ۰/۰۰۰۱
		دختر	۳/۵			
هدف امنیت اجتنابی		پسر	۲/۵	-۳/۷	۲۹۹	< ۰/۰۰۰۱
		دختر	۳/۰			
هدف بقایی		پسر	۲/۶	۲/۶	۲۹۵	< ۰/۰۱
		دختر	۲/۳			
صداقت در روابط انسانی		پسر	۳/۴	-۴/۶	۲۹۷	< ۰/۰۰۰۱
		دختر	۳/۸			
فطرت خوب در انسان		پسر	۳/۴	-۲/۶	۳۰۱	< ۰/۰۱
		دختر	۳/۶			
بکارگیری راههای تسلط بر دیگران		پسر	۳/۳	-۲/۳	۲۹۵	< ۰/۰۵
		دختر	۳/۵			
عدم اعتماد به انسان		پسر	۲/۷	۱/۵	۲۹۹	> ۰/۰۵
		دختر	۲/۶			

○ ب. بررسی سؤال پژوهش: به منظور بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی اهداف زندگی

توسط ابعاد شخصیت در ابتدا، ماتریس همبستگی بین متغیرها محاسبه گردید (جدول ۴). نتایج همبستگی مرتبه صفر حاکی از ارتباط معنی دار بین متغیرها است. بنابراین امکان استفاده از رگرسیون موجود می باشد.

جدول ۴- ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین اهداف و باورها

اهداف	باورها	صداقت در روابط انسانی	فطرت خوب در انسان	بکارگیری راههای تسلط بر دیگران	عدم اعتماد به انسان
هدف امنیت اجتماعی	۰/۴۰**	۰/۳۳**	-۰/۴	۰/۰۹	
هدف احترام - قدر و منزلت	۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۳۲**	۰/۳۱**	
هدف نیاز دوستی و محبت اجتماعی	۰/۲۸**	۰/۱۶**	۰/۱۴*	۰/۰۸	
هدف امنیت فردی	۰/۳۰**	۰/۲۲**	۰/۲۱**	-۰/۱	
هدف امنیت اجتنابی	۰/۲۲**	۰/۱۸**	۰/۱۹**	۰/۱۰	
هدف بقایی	۰/۰۳	-۰/۰۰	-۰/۰۲	۰/۱۳*	

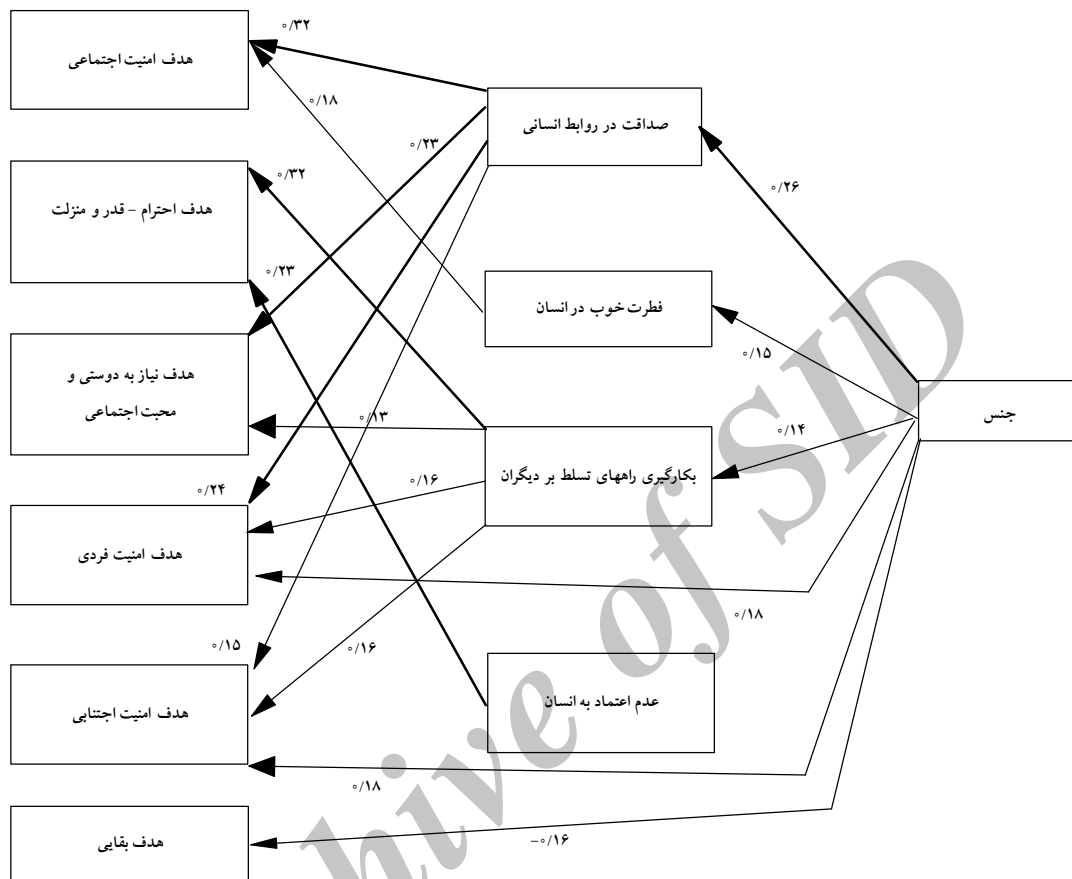
* $p < 0/5$ ** $p < 0/1$

از آنجا که در این بررسی شش هدف اصلی برای جوانان دانشجوی بدست آمد، شش دسته معادلات رگرسیون سلسله مراتبی نیز محاسبه گردید که در این معادلات اهداف زندگی جوانان به عنوان متغیرهای وابسته و جنس و ابعاد باورهای ماکیاولیستی به عنوان متغیرهای مستقل به ترتیب وارد معادله ها شدند. خلاصه نتایج در جدول ۵ آورده شده است. نتایج نشان می دهد که ابعاد مختلف شخصیت، اهداف مختلفی را پیش بینی می کنند.

کسانی که در بعد شخصیتی، افرادی هستند که به راستی و صداقت در رابطه با دیگران اعتقاد دارند بیشتر متوجه اهداف امنیتی فردی و اجتماعی اند. به همین ترتیب لیکن با قدرتی کمتر، باور اینکه انسان فطرتاً خوب است می تواند امنیت اجتماعی را پیش بینی کند. از سوی دیگر افرادی که معتقدند می توان به روشهای کنونی بر دیگران تسلط یافت رابطه معنی داری با سه سطح هدف یعنی اهداف امنیتی فردی - اجتنابی، نیاز به دوستی و محبت، و احترام قدر و منزلت دارند. همچنین این باور که انسان غیر قابل اعتماد است، اهداف احترام، قدر و منزلت را پیش بینی می کند. شکل ۱ حاصل کلیه این نتایج را به روشنی نشان می دهد.

جدول ۵. رگرسیون اهداف بر جنس و باورها

مربع R	R	p	t	β	B	متغیر مستقل	متغیر وابسته
۰/۲۰	۰/۴۵	> ۰/۰۰۵	۱/۲	۰/۰۷	۰/۱۰	جنس	هدف امنیت اجتماعی
		< ۰/۰۰۰۱	۵/۱	۰/۳۲	۰/۳۰	باور صداقت در روابط انسانی	
		< ۰/۰۰۰۵	۳/۰	۰/۱۸	۰/۱۸	باور فطرت خوب در انسان	
		> ۰/۰۰۵	-۱/۷	-۰/۱۰	-۰/۱۲	باور بکارگیری راههای تسلط بر دیگران	
		> ۰/۰۰۵	۱/۶	۰/۰۹	۰/۱۱	باور عدم اعتماد به انسان	
۰/۱۷	۰/۴۱	> ۰/۰۰۵	-۰/۰۰۳	۰/۰۰	۰/۰۰	جنس	هدف احترام - قدر و منزلت
		> ۰/۰۰۵	۱/۱	۰/۰۷	۰/۰۶	باور صداقت در روابط انسانی	
		> ۰/۰۰۵	-۰/۷۹	-۰/۰۵	-۰/۰۵	باور فطرت خوب در انسان	
		< ۰/۰۰۰۱	۵/۱	۰/۳۰	۰/۳۵	باور بکارگیری راههای تسلط بر دیگران	
		< ۰/۰۰۰۱	۴/۰	۰/۲۳	۰/۲۷	باور عدم اعتماد به انسان	
۰/۱۱	۰/۳۳	> ۰/۰۰۵	۱/۴	۰/۰۹	۰/۱۲	جنس	هدف نیاز به دوستی و محبت دیگران
		< ۰/۰۰۰۱	۳/۵	۰/۲۳	۰/۲۱	باور صداقت در روابط انسانی	
		> ۰/۰۰۵	۰/۸۰	۰/۰۵	۰/۰۵	باور فطرت خوب در انسان	
		< ۰/۰۰۵	۲/۱	۰/۱۳	۰/۱۵	باور بکارگیری راههای تسلط بر دیگران	
		> ۰/۰۰۵	۱/۳	۰/۰۸	۰/۰۹	باور عدم اعتماد به انسان	
۰/۱۶	۰/۴۰	< ۰/۰۰۰۵	۳/۰	۰/۱۸	۰/۲۰	جنس	هدف امنیت فردی
		< ۰/۰۰۰۱	۳/۸	۰/۲۴	۰/۱۷	باور صداقت در روابط انسانی	
		> ۰/۰۰۵	۰/۹۱	۰/۰۶	۰/۰۴	باور فطرت خوب در انسان	
		< ۰/۰۰۱	۲/۸	۰/۱۶	۰/۱۵	باور بکارگیری راههای تسلط بر دیگران	
		> ۰/۰۰۵	-۰/۱۲	-۰/۰۱	-۰/۰۱	باور عدم اعتماد به انسان	
۰/۱۳	۰/۳۶	< ۰/۰۰۰۵	۲/۹	۰/۱۸	۰/۳۰	جنس	هدف امنیت اجتنابی
		< ۰/۰۰۵	۲/۳	۰/۱۵	۰/۱۷	باور صداقت در روابط انسانی	
		> ۰/۰۰۵	۱/۳	۰/۰۸	۰/۱۰	باور فطرت خوب در انسان	
		< ۰/۰۰۱	۲/۷	۰/۱۶	۰/۲۲	باور بکارگیری راههای تسلط بر دیگران	
		> ۰/۰۰۵	۱/۴	۰/۰۸	۰/۱۲	باور عدم اعتماد به انسان	
۰/۰۵	۰/۲۲	< ۰/۰۰۱	-۲/۵	-۰/۱۶	-۰/۳۴	جنس	هدف بقایی
		> ۰/۰۰۵	۱/۶	۰/۱۱	۰/۱۵	باور صداقت در روابط انسانی	
		> ۰/۰۰۵	-۱/۱	-۰/۰۷	-۰/۱۱	باور فطرت خوب در انسان	
		> ۰/۰۰۵	-۰/۴۴	-۰/۰۳	-۰/۰۵	باور بکارگیری راههای تسلط بر دیگران	
		> ۰/۰۰۵	۱/۸	۰/۱۱	۰/۲۰	باور عدم اعتماد به انسان	



شکل ۱- تأثیر جنس و باورهای ماکیاولیستی بر اهداف رشدی جوانان

● بحث و نتیجه گیری

○ از آنجا که شش هدف رشد در زندگی دانشجویان نقش تعیین کننده ای دارد و با توجه به اینکه این اهداف در طی سه سال برای دانشجویان دانشگاه شیراز در گروه های مختلف دانشجویی ثابت مانده است، شناخت این اهداف با توجه به ابعاد شخصیتی جوانان ایرانی از اهمیت خاصی برخوردار است. در این پژوهش عوامل مرتبط و تعیین کننده شخصیتی این اهداف مورد بحث و نقادی قرار می گیرد.

□ ۱. هدف امنیت اجتماعی: دانشجویانی که بیشتر بدنبال تحقق ارزشها و خواسته های مذهبی - اجتماعی، کمک به نظم، قانون و عدالت اجتماعی، کاهش قتل و جنایت در جامعه اند، دارای

شخصیتی هستند که به صداقت در روابط اجتماعی معتقداند. آنان بر این باورند که رفتار با دیگران باید متکی بر اخلاقیات صحیح، سلامت، درستی و راستی باشد. به عبارت دیگر هر اندازه باور صداقت در افراد افزایش یابد بیشتر بدنبال امنیت اجتماعی از طریق ایجاد نظم و قانون و تحقق ارزشها در جامعه خواهند.

○ ویژگی دیگر شخصیت که رابطه معنی داری با امنیت اجتماعی دارد اعتقاد به فطرت خوب بشری است. این افراد معتقدند که همه مردم چه افراد عادی و چه مسئولان کشور افرادی هستند که زندگی سالمی داشته و پایبند به اخلاقیات اند. بنابراین در مجموع، افرادی بدنبال امنیت اجتماعی اند که باورشان آن است که کلیه آحاد بشر خوبند و باید در رابطه با آنان با صداقت درستی و راستی برخورد نمود. بنابراین می توان دریافت بر اساس نظریه ماکیاولیستی، که هر اندازه شخص اعتقاد کمتری به خوب بودن انسانها داشته باشد و صداقت را در روابط ضروری نداند، کمتر بدنبال نظم، عدالت، حضور ارزشهای مذهبی و اجتماعی در جامعه و کاهش قتل و جنایت و دزدی در جامعه است. نکته مهمی که در پژوهش حاضر بدست آمده آنست که صداقت در روابط اجتماعی با قدرت بیشتری هدف امنیت اجتماعی را پیش بینی می نماید. این یافته ها با تحقیقات سیزک (۱۹۹۹)، لوین و استیفر (۱۹۹۴) همخوانی دارند. آنان نشان داده اند که افزایش تمایلات ماکیاولیستی موجب کاهش علائق اجتماعی می شود.

○ تحلیل مسیر نشان داد که زنان صداقت در روابط را بیشتر باور دارند و معتقدند که صداقت امکان بیشتری را در رسیدن به امنیت اجتماعی مهیا می سازد. نکته جالب توجه آن که در رسیدن به این هدف جنس تعیین کننده مستقیم نیست. به عبارت دیگر دختران به موجب جنس خود به دنبال امنیت اجتماعی نیستند بلکه فرد چه دختر باشد و چه پسر، تا باور صداقت در او افزایش نیابد رسیدن به امنیت اجتماعی در او افزایش نمی یابد.

□ ۲. هدف احترام-قدر و منزلت: نتایج حاکی از آن بود که «احترام-قدر و منزلت» توسط دو بعد شخصیتی به صورتی قوی پیش بینی می شود: یکی بعد به کارگیری راههای تسلط و غلبه بر دیگران و دیگری بعد ناباوری و عدم اعتماد و اطمینان به دیگران. در این دیدگاه شخص برای آنکه به شهرت و موفقیت دست یابد و احیاناً در علم و یا در شغل به مرتبه بالایی برسد می تواند در صورت نیاز، کمی پارتی بازی کند و در برخورد به افراد مهمی که نقش تعیین کننده ای در رسیدن به هدف او دارند به گونه ای عمل کند که آنان خوششان بیاید و در صورتیکه شخص تشخیص دهد که اظهار نظری خاص ممکن است کار او را با مشکل مواجه سازد و یا او را به دردسر بیاندازد آن نظر و عقیده را کتمان نماید. این افراد معتقدند کار خردمندانه ای نیست که

بی پروا آنچه که در ذهن فرد است به دیگران که ممکن است به او آسیب زنند، بیان نمود. مردم ممکن است، چندان بی خطر نباشند بنابراین، ساده لوحانه خواهد بود اگر براحتی بدانها اعتماد شود. برای رسیدن به مقام و شایستگی های مدنظر فرد، بهتر است از راهبردهای گوناگونی که در برخورد با دیگران موفقیت آمیز بوده است سود جست و در این زمینه باید زیرکانه و با درایت با دیگران برخورد نمود. مقایسه زنان و مردان نشان داد که زنان بیش از مردان چنین باوری را دارند و به همین لحاظ نیز در داشتن اهداف متعالی از پسران برترند.

○ نکته ای که در نتایج این بخش نیاز به توجهی خاص دارد آن است که «هدف احترام-قدر و منزلت» توسط هیچکدام از دو عامل اعتقاد به فطرت پاک انسان و داشتن صداقت در روابط اجتماعی پیش بینی نمی شود. عدم ارتباط عوامل مثبت شخصیتی با این هدف و ارتباط مثبت و قوی بعد منفی شخصیت، یعنی باور عدم اعتماد به مردم، موجب خواهد شد که تحقق این هدف احتمالاً فرد و جامعه را با مشکل روبرو سازد. به ویژه وقتی که توجه شود که این هدف طبق نظریه اهداف رشد بعد از هدف نیاز به دوستی و محبت اجتماعی قرار دارد و به نوعی استقلال از جامعه در آن دیده می شود (مازلو، ۱۹۶۸). بنابراین، دانشجویان برای تحقق اهدافی از قبیل کسب شهرت و موفقیت، رسیدن به یک مقام اجتماعی و رهبریت مردم و یا موفقیت تحصیلی و مقام علمی برجسته، ممکن است اقدام به استفاده از راههای غلبه بر افکار دیگران و در اختیار گرفتن عقاید آنان و نادیده گرفتن ارزشها و خواستههای مردم نمایند. از آنجا که دانشجویان کنونی، رهبران علمی، اجتماعی و سیاسی آینده کشور خواهند بود بی توجهی به مردم و استفاده از الگوهای ماکیاویستی می تواند برای جامعه هشدار دهنده باشد. همانگونه که قبلاً گفته شد چون افراد ماکیاویست به شدت عمل گریند (لویین و استیفنز، ۱۹۹۴) و در پژوهشهای قبلی نیز در ایران نشان داده شده است که دانشجویان ایرانی میل به کنش اجتماعی دارند (لطیفیان، بشاش، ۱۳۸۳)، احتمالاً وصول به این هدف به صورتی جدی پی گیری خواهد شد و در آن صورت در آینده ممکن است مدیریت جامعه با مشکلاتی روبرو گردد (هلگسون، ۱۹۹۴؛ لویین و استیفنز، ۱۹۹۴؛ سیزک، ۱۹۹۹).

□ ۳. هدف نیاز به دوستی و محبت دیگران: نتایج نشان داد که این هدف با دو بعد از شخصیت رابطه ای قوی دارد. یکی بعد «رفتار صادقانه با دیگران» و دیگری بعد «باور راههای تسلط بر دیگران». بعد رفتار صادقانه، با قدرت بیشتری هدف نیاز به دوستی و محبت دیگران را نسبت به باور راههای تسلط بر دیگران را پیش بینی می کند. ترکیب این دو نوع باور در رسیدن به محبت و دوستی دیگران بسیار جالب است. از سویی جوانان دانشجو معتقدند که برای رسیدن به دوستی

دیگران، باید با آنان صادقانه رفتار کرد، واقعیت را گفت و بر اساس اخلاق و ارزش های صحیح عمل نمود ولی از سویی دیگر، معتقدند که چندان هم این اعتماد نباید به صورت کامل و مطلق باشد. زیرا باور آنان این است که هر انسانی نقاط ضعفی دارد که اگر صد در صد صادقانه هر آنچه که واقعیت رابطه فرد با دیگری است، بر ملا شود و آنچه که هست کاملاً بیان شود، آن نقاط ضعف ممکن است روزی در موقعیتی خاص بروز کند و به فرد آسیب وارد سازد. بنابراین برای رسیدن به جلب محبت دیگران، آگاهی از راههایی که از آن طریق بتوان محبت آنان را بخود جلب کرد، لازم به نظر می رسد. از نظر جوانان، چنین روشی امکان آنرا مهیا می سازد تا بتوان به دوستی و محبت پایدارتری رسید، بدون آنکه با بروز رفتاری خام و با اظهار نظری ناپخته، خود را به دردسر انداخت و دوستی آنان را از دست داد. نتایج حاکی از آن است که چنین باوری در بین دختران بیش از پسران است. بنابراین می توان گفت که دختران در مقایسه با پسران بسیار محافظه کارانه تر در جلب محبت دیگران می کوشند. چنین نگرشی می تواند حاصل خواست ها و فشارهای بیشتر خانواده و جامعه از دختران باشد. بنابراین دختران در مقایسه با پسران از پیچیدگی بیشتری در رفتار مربوط به جلب محبت دیگران برخوردارند.

۴. هدف امنیت فردی: رسیدن به آرامش روانی، داشتن امنیت فردی در شغل، اجتماع و سیاست و نیز آرامش و آسایش در خانواده همگی توسط دو ویژگی شخصیت یکی باور داشتن رابطه صادقانه با دیگران و دیگری بکارگیری راههای تسلط بر دیگران رابطه تعیین کننده ای دارد. جمع این دو ویژگی در شخصیت فرد منطقی به نظر می رسد. زیرا کسی که بدنبال امنیت فردی خود است و آرامش را دوست داشته و بدنبال امنیت در جهات مختلف خانوادگی و اجتماعی است، باید این هدف را از طریق رفتارهای صادقانه با دیگران کسب کند. ولی همانگونه که در سطور فوق گفته شد این امنیت را باید کاملاً محافظه کارانه کسب کرد زیرا اطمینان کامل به دیگران داشتن و همه چیز را صادقانه مطرح کردن، لزوماً موجب امنیت نمی شود، بلکه ممکن است در مواردی امنیت را از فرد سلب کند. بنابراین در ضمن داشتن این باور که صداقت خوب است ولی باید آنرا با روشی همراه کرد که موفقیت فرد را در کسب امنیت تضمین نموده و اطمینان بخش باشد.

○ نتایج پژوهش نشان داد که چنین نوع ارتباطی بین اهداف فرد و ابعاد شخصیت او مستقل از «جنس» فرد است. به تعبیری دختران و پسران جوان دانشجوی ایرانی هر دو به یک شکل از چنین قوانینی تبعیت می کنند ولی علاوه بر این هنوز بخشی از عوامل تعیین کننده ای در اهداف امنیت فردی وجود دارد که توسط جنس تعیین می شود و دختران بیش از پسران به دنبال آنند. به نظر

می‌رسد که در تحقیقات آتی لازم است به بررسی عواملی، مازاد بر متغیرهای این پژوهش، پرداخته شود. این یافته‌ها با تحقیقات لوین و استیفنز (۱۹۹۴)، سیزک (۱۹۹۹) و کریس و گیس (۱۹۷۰) در مورد ارتباطات اجتماعی و تفاوت‌های موجود بین دختران و پسران همسو است.

۵. هدف امنیت اجتنابی: برخلاف هدف قبل که در آن شخص به دنبال اهدافی است که آنرا اکتساب کند تا موجب امنیت او شود در این مرحله شخص دنبال فرار از شرایطی است که تهدید کننده امنیت او می‌باشند. دوری جستن از آشوبها و پرخاشگری‌های اجتماعی و فرار از احساس انزجاری که از جامعه به فرد دست می‌دهد از جمله این اهداف است. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که داشتن روابط صادقانه با دیگران همراه با تیزی‌های لازم برای نحوه تسلط بر آنان، می‌تواند فرد را از گزند آسیب‌های اجتماعی دور نگاهدارد. در رسیدن به این هدف همانند هدف قبل ترکیب این دو باور شخصیتی، به شکل مثبت، پیش‌بینی کننده‌اند و این امر مستقل از جنس آنان است. اما نتایج این تحقیق نشان داد که هنوز بخشی از عواملی تعیین کننده هدف امنیت اجتنابی وجود دارد که نیاز به سنجش جداگانه‌ای دارند زیرا جنس هنوز به صورت مستقیم تعیین کننده این هدف می‌باشند و در این مسیر دختران از پسران پیشی گرفته‌اند.

۶. هدف بقایی: این هدف در تحقیقی که در سال ۱۳۸۳ بر روی نمونه دانشجویی انجام یافته بود به عنوان عامل جداگانه‌ای بدست نیامد (لطیفیان و بشاش، ۱۳۸۳). لذا در پژوهش حاضر، با وجود آنکه گویه‌های کمی بدان اختصاص یافته است به لحاظ اهمیتی که این یافته جدید داشت، مورد توجه قرار گرفت. اهداف تشکیل خانواده و ارضاء جنسی که در پسران بیش از دختران تعقیب می‌شود با هیچکدام از ابعاد شخصیتی فرد و باورهای او رابطه معنی‌داری نداشت. بنابراین همانگونه که انتظار می‌رود هدف بقایی نمی‌تواند توسط باورهای ماکیاولیستی تعیین گردد و هرکس با هر نوع باوری که باشد طبعاً نیاز به تشکیل خانواده و ارضاء جنسی را دارد.

○ در مجموع نتایج پژوهش دارای چندین نکته مهم در مورد جوانان دانشجوی ایرانی است. اول آنکه دانشجویان در رسیدن به اهداف خود که به طور نسبی شامل کلیه سطوح اهداف رشدی، از پایین‌ترین سطح یعنی اهداف فیزیکی و جسمانی تا اهداف مربوط به قدر و منزلت است و طی چندین سال گذشته به طور نسبی پایدار بوده است از ذکاوت و رشد یافتگی خوبی برخوردارند. یعنی روشنفکران جوان ایرانی می‌دانند که برای رسیدن به اهداف خود در زندگی، چه از مقوله اهداف فردی و چه اهداف اجتماعی-فرهنگی، باید در عین باور به صداقت در روابط اجتماعی و اعتقاد به پاک بودن سرشت انسانی، با درایت و انتخاب راهبردهای مناسب، مسیری را طی کنند که رسیدن به اهدافشان را تضمین نماید. یعنی در صورتی که لازم باشد باید از

مکانیزم‌هایی استفاده شود که بتوان در دیگران نفوذ کرده و اعتماد و علاقه آنان را جلب نمود تا بدینوسیله به اهداف خود رسید. بنابراین به نظر می‌رسد این نحوه تفکر از پختگی بیشتری برای رسیدن به مقاصد فردی برخوردار باشد تا آنکه شخص بخواهد بدون توجه به نکات قوت و ضعف دیگران و صرفاً بر اساس اعتمادی ساده لوحانه، هر آنچه که در دوران او می‌گذرد، اظهار نماید که حاصل آن ممکن است شخص را با مشکلات عدیده‌ای مواجه سازد. بنابراین، احتمالاً این نوع ترکیب از باورهای شخصیتی و اهداف رشد، می‌تواند سلامت روانی جوانان را در جامعه ایران، موجب گردد. اما در مورد هدف احترام-قدر و منزلت نیاز به برنامه‌ریزی جهت اصلاح پیوند بین باورهای عدم اعتماد به انسان و اهداف مربوط به کسب افتخارات علمی، اجتماعی و اقتصادی است. این مهم به لحاظ آنکه احتمالاً مسئولین آینده‌کشور از جمع این نوع دانشجویان می‌باشند بسیار حائز اهمیت است و شناخت دقیقتر آن نیاز به پژوهش‌های جدی دارد. نتایج این پژوهش با نظریه ماکیاولیستی و نیز اهداف رشد هماهنگی داشته و به بسط آن کمک نموده است (ساتون و کی اوغ، ۲۰۰۱؛ مک هوسکی و همکاران، ۱۹۹۹؛ برانداشتا، ۱۹۹۹؛ لطیفیان و بشاش، ۱۳۸۳؛ رامانایا و همکاران، ۱۹۹۴؛ کریستی و گیس، ۱۹۷۰).

یادداشت‌ها

- 1- Kiddie Mach Machiavellian Personality Beliefs Scale
- 2- Developmental Life Goals Scale
- 3- Validity
- 4- Reliability

منابع

- رضویه، اصغر؛ لطیفیان، مرتضی؛ و عارفی، م. (۱۳۸۵). نقش نظریه ذهن و همدلی در پیش‌بینی رفتارهای پرخاشگری ارتباطی آشکار و جامعه‌پسند دانش‌آموزان. اندیشه‌های نوین تربیتی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء، تهران.
- لطیفیان، مرتضی؛ و بشاش، لعا. (پاییز ۱۳۸۳). مقایسه باورها و عواطف خود نظم‌ده رشد، در دانشجویان دختر و پسر، در سنین مختلف. مجله روانشناسی، ۸ (۳)، صص. ۲۲۷-۲۴۹.

Andreou, E. (2004). Bully/victim problems and their association with Machiavellianism and self-efficacy in Greek primary school children. *British Journal of Educational Psychology*, 74, 297-310.

Bauer, J. J.; & Bonanno, G. A. (2001). Doing and being well (for the most part): Adaptive

- patterns of narrative self-evaluation during bereavement. *Journal of Personality*, 69, 451-482.
- Bauer, J. J.; McAdams, D. P. (2004). Growth goals, maturity, and well being. *Developmental Psychology*, 40, 114-127.
- Block, J. (1971). *Lives through time*. Berkeley, CA: Bancroft Books.
- Boozer, R. W., Forte, M.; Maddox, N.; & Jackson, W. T. (2000). An exploration of the perceived psychological type of the office politician. *Journal of Psychological Type*, 55, 5-13.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. 1. Attachment*. New York: Basic Books.
- Braginsky, D. D. (1970). Machiavellianism and manipulative interpersonal behavior in children. *Journal of Experimental Social Psychology*, 6, 77-99.
- Brandtstadter, J. (1984). Action development and development through action. *Human Development*, 27, 115-118.
- Brandtstadter, J. (1989). Personal self-regulation and development: Cross-sequential analyses of developmental-related control beliefs and emotions. *Developmental Psychology*, 1, 96-108.
- Brandtstadter, J. (1999). The self in action and development: Cultural, biosocial, and ontogenetic bases of intentional self-development. In J. Brandtstadter & R. M. Lerner (Eds.), *Action and self-development: Theory and research through the life span* (pp. 37-66). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Byrne, R. W.; & Whiten, A. (1988). *Machiavellian intelligence: Social expertise and the evolution of intellect in monkeys, apes, and humans*. New York: Oxford University Press.
- Carver, C. S.; & Scheier, M. F. (1999). Themes and issues in the self regulation of behavior. In R. S. Wyer Jr. (Ed.), *Advances in social cognition: Vol. 12: Perspectives on behavioral self regulation* (pp. 1-105). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Christie, R.; & Geis, F. L. (Eds.) (1970). *Studies in Machiavellianism*. London: Academic Press.
- Cizek, G. J. (1999). *Cheating on tests: How to do it, detect it, and prevent it*. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Emmons, R. A. (1999). *The psychology of ultimate concerns: Motivation and spirituality in personality*. New York: Guilford Press.
- Freud, S. (1953). *The standard edition of the complete psychological works of Sigmund Freud* (J. Strachey, Ed. & Trans.). London: Hogarth Press.
- Gollwitzer, P. M.; & Brandstatter, V. (1997). Implementation intentions and effective goal pursuit. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 186-199.
- Helgeson, V. S. (1994). Longdistance romantic relationships: Sex differences in adjustment and breakup. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 20, 254-265.

- Helson, R.; & Roberts, B. W. (1994). Ego development and personality change in adulthood. *Journal of Personality and Social Psychology*, 66, 911-920.
- Helson, R.; & Wink, P. (1992). Personality change in women from the early 40s to the 50s. *Psychology and Aging*, 7, 46-55.
- Hy, L. X.; & Loevinger, J. (1996). *Measuring ego development* (2nd ed.) Mahwah, NJ: Erlbaum.
- King, L. A.; Scollon, C. K.; Ramsey, C.; & Williams, T. (2000). Stories of life transition: Subjective well-being and ego development in parents of children with Down syndrome. *Journal of Research in Personality*, 34, 509-536.
- Leary, M. R.; Knight, P. D.; & Barnes, B. D. (1986). Ethical ideologies of the Machiavellian. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 12, 75-80.
- Lewin, A.; & Stephens, C. (1994). CEO attitudes as determinates of organization design: An integrated model. *Organizational Studies*, 15, 183-212.
- Loevinger, J. (1993). Conformity and conscientiousness: One factor or two stages? In D. C. Funder, R. D. Parke, C. Tomlinson-Keasey, & K. Widaman (Eds.), *Studying lives through time: Personality and development* (pp. 189-206). Washington, DC: American Psychological Association.
- Maslow, A. H. (1968). *Toward a psychology of being* New York: Van Nostrand Reinhold.
- Mazza, M.; DeRisio, Tozzini, C.; Roncone, R.; & Casacchia, M. (2003). Machiavellianism and theory of mind in people affected by schizophrenia. *Brain and Cognition*, 3, 262-269.
- McHoskey, J. W.; Hicks, B.; Betris, T.; Szyarto, C.; Worzel, W.; & Kelly, K. (1999). Machiavellianism, adjustment and ethics. *Psychological Reports*, 85, 138-142.
- McIlwain, D. (2003). *Bypassing empathy: Mapping a Machiavellian theory of mind and sneaky power, individual differences in theory of mind: Implications for typical and atypical development*, Ed(s) by B. Repacholi and V. Slaughter, New York: Psychology Press.
- Piaget, J. (1970). Piaget's theory. In P. Mussen (Ed.), *Carmichaels' manual of child psychology* (pp. 703-732). New York: Wiley.
- Ramanaiah, N. V.; Byravan, A.; Detwiler, F. R. J. (1994). Revised NEO personality inventory profiles of Machiavellian and non-machiavellian people. *Psychological Reports*, 75, 937-938.
- Sheldon, K. M.; & Kasser, T. (1995). Coherence and congruence: Two aspects of personality integration. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 531-543.
- Slaughter, V.; & Pritchard, M. (2000). *Determining peer acceptance amongst preschool children*. Unpublished manuscript, University of Queensland.

- Sutton, J.; & Keogh, E. (2001). Components of Machiavellian beliefs in children: Relationships with personality. *Personality and Individual Differences, 30*, 137-148.
- Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society: The development of higher psychological processes*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Westenberg, P. M.; & Block, J. (1993). Ego development and individual differences in personality. *Journal of Personality and Social Psychology, 65*, 792-800.
- Winter, D. G.; John, O. P.; Stewart, A. J.; Klohnen, E. C.; & Duncan, L. E. (1998). Traits and motives: Toward an integration of two traditions in personality research. *Psychological Review, 105*, 230-250.
- Wright, J. C.; Zakriski, A. L.; & Fisher, P. (1996). Age differences in the correlates of perceived domain. *Social Development, 5*, 24-40.
- Wrightsman, L. S. (1991). Interpersonal trust and attitudes towards human nature. In J. P. Robinson, P. R. Shaver, & L. S. Wrightsman (Eds.), *Measures of Personality and Social Psychology Attitudes* (pp. 373-385). New York: Academic Press.

○ ○ ○